

مقوله‌های محوری توجه به پوشاک در سفرنامه ابن بطوطه

معصومه فیض آبادی^۱
طاهره عظیم‌زاده طهرانی^۲
شهربانو دلبری^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۷
تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۳

چکیده

پوشاک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های دیداری هر فرهنگ، بارزترین نماد فرهنگی اقوام و ملل است که می‌تواند در پیگیری تأثیرات فرهنگ‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. گستره جغرافیایی اسلام در سرزمین‌هایی با تفاوت‌های فرهنگی بسیار، اهمیت و لزوم پرداختن به موضوع پوشاک را در دیار اسلام آشکار می‌سازد. ابن بطوطه در سفرنامه خود ضمن پرداختن به طیف وسیعی از مسائل مختلف همچون اقتصادی، اجتماعی ... اشاراتی نیز به مقوله پوشاک در قالب لباس، عمامه، پارچه و گاهی ذکر جنس و رنگ آن دارد. وی طی سفر خود غالباً با شاهان و درباریان در ارتباط بوده و از نقش تعیین‌کننده پوشاک درباری سخن گفته است. با این وجود نسبت به زندگی اجتماعی عوام بی‌تفاوت نبوده و به شرح امور اجتماعی این قشر نیز پرداخته و اشاراتی به پوشاک مردم برخی مناطق داشته است.

نوشتار حاضر سعی دارد به مطالعه مقوله‌های محوری پوشاک در این سفرنامه از طریق گزاره‌یابی و مفهوم‌یابی گزاره‌ها با رویکرد توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از مستندات کتابخانه‌ای بپردازد. آنچه در رابطه با پوشاک در این سفرنامه حائز اهمیت است، توجه بیشتر ابن بطوطه به پوشاک درباریان و افراد خاص نسبت به مردم عادی است.

واژگان کلیدی: پوشاک، سرپوش، سفرنامه، ابن بطوطه

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (Basirat.m48@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) (ta_azim@yahoo.com)

^۳ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. tarikh-2003@yahoo.com

مقدمه

این بطوطه (۷۰۳-۷۷۹ ه.ق) در سال ۷۲۵ ه.ق سفر خود را در جوانی از زادگاهش طنجه آغاز کرد و در سال ۷۵۴ ه.ق به پایان رساند. سفرنامه او حاصل سال‌ها سفر وی به برخی سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی در قرن هشتم هجری قمری است که تصویری نسبتاً جامع، بی‌طرف و صادقانه از زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، عقیدتی و فرهنگی افراد خاص، درباریان و مردم عادی شرق اسلامی ارائه می‌دهد.

اطلاعات ابن بطوطه برای آگاهی بیشتر از حیات اجتماعی مناطقی که به آن سفر کرده، ارزشمند و قابل بررسی است زیرا علاوه بر این که جهان اسلام روزگار بین پایان حمله مغول و آغاز هجوم تیمور را سپری کرده و توجه و تمایل مردم به اخبار ملل فرونی یافته بود، گستره قابل توجهی از آفریقا تا کرانه‌های چین را نیز در برداشت. ابن بطوطه سفر خود را از طنجه به مکه^۱ برای زیارت‌خانه خدا آغاز کرد و در جریان سفر طولانی‌اش کشورهای بسیاری را پیمود. شهرها و مناطقی همچون: مصر، شام، حجاز، عراق، ایران، یمن، اندلس، جنوب روسیه، هندوستان، جزایر مالدیو، چین، مالی و غیره. گزارش‌های این سفر به فرمان ابو عنان (حک: ۷۴۹-۷۵۹ ه.ق) پادشاه مراکش، توسط ابوعبدالله محمد بن محمد بن جزی (۷۲۱-۷۵۷ ه.ق) به رشته تحریر درآمد و به نام «تحفه النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار» نام‌گذاری شد. (کراچکوفسکی، ۱۳۷۶: ۳۳۳ و ۳۳۴)

گونه‌شناسی مطالب سفرنامه شامل موارد مختلفی است از جمله: امور مربوط به زندگی و شخصیت ابن بطوطه، ویژگی شهرهای مورد اقامت او، مدارس و علماء، آداب و رسوم جوامع مختلف، مصاحبت با شخصیت‌های علمی و دینی و سیاسی، امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حکومت سلاطین و آداب درباریان، زبان و لهجه‌ها.

از آنجاکه موضوع موردنظر این پژوهش در هر یک از این گونه‌ها قابل پیگیری است، نمی‌توان آن را گونه‌ای جدا به شمار آورد، لذا سعی شده با مطالعه دقیق سفرنامه گزاره‌های مربوط به پوشاک استخراج شود. نکته قابل توجه این است که در میان موضوعات فرهنگی قابل جستجو در سفرنامه، پوشاک حجم کمتری دارد، اما همین اندک، اطلاعات ارزشمندی از ظواهر فرهنگ جوامع اسلامی و شرقی قرن هشتم ه.ق در اختیار ما می‌گذارد. این داده‌ها در مقایسه با موارد مشابه خود در منابع دیگر زوایای مبهم اما فرهنگ جاری بر سرزمین‌های اسلامی را به دست خواهد داد.

پیشینه تحقیقات

سفرنامه‌ها از مهم‌ترین و معتبرترین منابع مطالعاتی برای محققان به شمار می‌آیند. قدر مسلم سفرنامه ابن بطوطه که خود از جایگاه ویژه‌ای بین پژوهشگران برخوردار است، مورد مطالعه و ارزیابی‌های بسیار از جهات مختلف قرار گرفته است. به چند مورد اشاره می‌شود:

- «معجم الفاظ ابن بطوطه غیر العربیه» (۱۹۹۴م)، تألیف عادل خلف. آنچه در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته، استخراج کلمات غیرعربی (ترکی، هندی، فارسی، چینی ...) به کار برده شده در سفرنامه ابن بطوطه می‌باشد.

- «از بین‌النهرین تا ماوراءالنهر» (۱۳۷۶)، تألیف قنبرعلی رودگر. نویسنده در این کتاب پس از شرح زندگی ابن بطوطه، نقد و بررسی سفرنامه او و ارائه توضیحاتی پیرامون اوضاع سیاسی و اجتماعی مناطقی از ایران، عراق و ماوراءالنهر، به موضوع اصلی یعنی معرفی و بررسی نهادهای علمی و آموزشی و مزارات و مدارس، معرفی رجال علمی و مذهبی و... پرداخته است.

- «بررسی ویژگی‌های ادبی و هنری سفرنامه‌های ابن جبیر و ابن بطوطه» (۱۳۸۷)، نوشته: فرشته کنجوریان.

محور اصلی این پایان‌نامه بررسی ویژگی‌های ادبی و هنری سفرنامه‌های ابن جبیر و ابن بطوطه می‌باشد. نویسنده موضوع مذکور را در هر دو سفرنامه بررسی کرده و سفرنامه ابن بطوطه را در سطح ادبیات سفرنامه‌ای جهان در قرون گذشته بی‌نظیر توصیف می‌کند و آن را از جنبه‌های مختلف همچون نثر مرسل و محاوره گونه مطالب، بهره‌گیری از اصطلاحات مختلف اداری، بازرگانی و...، به‌کارگیری واژه‌های فارسی و هندی و ترکی و...، استفاده از ضرب‌المثل‌های محلی مورد بررسی قرار داده است.

- «رحالان و رحله نویسی در تمدن اسلامی باتکیه بر مطالعه موردی ابن فضلان، ابن جبیر و ابن بطوطه» (۱۳۸۷)، نوشته: مجتبی گراوند. نویسنده در این پایان‌نامه پس از شرحی درباره رحالان و رحله‌نویسی در تمدن اسلامی، سفرنامه‌های مذکور را مورد بررسی و مقایسه قرار داده و آن بخش از سفرنامه ابن بطوطه که حاوی اطلاعاتی درباره رسوم و تمایلات متصوفانه و زندگی فنیان می‌باشد را یکی از بهترین مطالب رحله معرفی می‌کند.

- «بررسی کاربرد واژگان فارسی در متن سفرنامه ابن بطوطه» (۱۳۹۱)، نوشته: حجت رسولی و خدیجه شاه‌محمدی. محور اصلی مقاله استخراج واژگان فارسی از متن سفرنامه بوده و در مورد کاربرد واژه‌های پوشاک تنها به مواردی اشاره شده که از زبان فارسی وارد زبان و ادبیات عرب شده‌اند.

- «بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی» (۱۳۸۸)، نوشته: خلیل پروینی و فرشته کنجوریان.

بررسی ادبیات تطبیقی سفرنامه بر اساس مکتب فرانسه محور اصلی مقاله می‌باشد و شامل عناوینی همچون شرح وضعیت زنان، مقایسه آداب و رسوم ملت‌ها، عادات غذایی و... می‌شود. آنچه مرتبط با پوشاک مطرح شده، مختصری از پوشش زنان هینوز^۲، زنان ترک مجار و لباس پادشاه هنور است.

- «نقش و جایگاه زن در قرن هشتم ه.ق باتکیه بر سفرنامه ابن بطوطه» (۱۳۹۰)، نوشته: عطیه سادات طباطبایی. بررسی جایگاه اجتماعی زنان در جوامع مختلف، وضعیت آموزشی و پوششی آنان از مسائل مورد بحث در مقاله است. نویسنده اطلاعات قابل توجهی در مورد پوشاک زنان در جوامعی که ابن بطوطه به آن سفر کرده ارائه می‌دهد.

- «سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم‌شناسی» (۱۳۸۱)، نوشته: سید امید علی نصیب. این مقاله به مباحث مرتبط با مردم‌شناسی و فرهنگی سفرنامه پرداخته و توضیحاتی در مورد مراسم و مناسک، جشن‌ها و اعیاد، مراسم درباری، اشتغال و تحصیل زنان و ... در مورد پوشاک گذرا و کوتاه به مواردی همچون بستن عصابه، پوشیدن عمامه گنده، کفش زنان شیرازی و لباس فتوت درویشان اشاره شده است.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و بهره‌مندی از مستندات کتابخانه‌ای، به بررسی گزاره‌های مربوط به پوشاک در سفرنامه ابن بطوطه پرداخته و با تحلیل و مقایسه داده‌های گردآوری شده، سعی دارد تا حد امکان از پیش‌داوری و پیش‌فرض‌دوری کرده تا حاصل کار از دقت و عمق مطلوبی برخوردار شود. لازم به ذکر است که فرایند علت‌یابی و تبیین موضوع که پس از کشف مقوله محوری آغاز می‌شود، پرداختن به علت لزوم تغییر رویکرد، روش و گستردگی مطالعات، بر عهده پژوهش حاضر نیست، همچنین این نوشتار ادعایی مبنی بر کامل و بی‌نقص بودن مفهوم‌یابی و مقوله‌یابی گزاره‌ها ندارد و راه برای پژوهش‌های دقیق‌تر در این زمینه باز است.

استخراج گزاره‌ها و شناسایی موضوعات آن‌ها

در نخستین مرحله برای شناسایی، نامیدن و پروراندن مفاهیم، داده‌های (گزاره‌ها) مربوط به پوشاک استخراج و موضوع‌یابی شدند که در جدول زیر قابل مشاهده است:^۳

جدول ۱: گزاره‌های پوشاک

شماره	نشانی گزاره	موضوع	گزاره
۱	ج ۱، ص ۵۳	بستن خود (ابن بطوطه) به اسب با عمامه	عمامه برزین
۲	ج ۱، ص ۵۷	عمادالدین کندی قاضی اسکندریه	عمامه بسیار بزرگ (محوطه محراب را فراگرفته)
۳	ج ۱، ص ۶۴	لباس شیخ ابوعبدالله مرشدی در شهر قُوا ^۴	جبه ^۵ سیاه پشمی (دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل واژه جبه)
۴	ج ۱، ص ۷۱	تزیین دکان‌ها در قاهره به خاطر جشن شفای ملک ناصر از شکستگی دستش	پارچه‌های ابریشمی
۵	ج ۱، ص ۸۰	لباس قوام الدین کرمانی از علمای مصر	عبای پشمی خشن و عمامه‌ای از پشم سیاه
۶	ج ۱، ص ۸۲	پارچه‌های بَهَسَا ^۶	جنس پشمی خوب
۷	ج ۱، ص ۸۸	لباس طایفه بجاهان ^۷ در عیداب ^۸	ملحفه زرد بر تن، عصابه ^۹ بر سر (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۹۲/۱؛ ۳۵۴/۲؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژه عَصَبَه)
۸	ج ۱، ص ۱۰۵	پارچه‌های سَرْمِین ^{۱۰}	جنس پنبه‌ای
۹	ج ۱، ص ۱۳۳	لباس ابن‌الزهراء فقیه مالکی	عمامه، دستارچه ^{۱۱} حریر زیر عمامه
۱۰	ج ۱، ص ۱۷۶	پوشش کعبه	ابریشم سیاه
۱۱	ج ۱، ص ۱۹۰	پوشاک اهل مکه	ظرافت و نظافت، رنگ سفید، سبک و کوتاه
۱۲	ج ۱، ص ۱۹۲	لباس شیخ ابوعبدالله خلیل	جبه ^{۱۲} سپید کوتاه پنبه‌ای معروف به قُفْطَان
۱۳	ج ۱، ص ۱۹۶	هدیه سلطان هند به شیخ سعید	قبایبی زربفت از ابریشم کبود
۱۴	ج ۱، ص ۱۹۷	تزیین طاق‌ها در دهلی به‌خاطر شیخ سعید	پارچه‌های زربفت ابریشمی، فرش کردن مسیر حرکت شیخ با پارچه‌های حریر
۱۵	ج ۱، ص ۲۰۲	لباس خطیب جمعه در مکه از طرف ملک ناصر	جامه ^{۱۳} سیاه و عمامه و طلیسان ^{۱۱} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۲۲/۱؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژه طلیسان)
۱۶	ج ۱، ص ۲۰۳	لباس رئیس مؤذنین مکه	رنگ سیاه
۱۷	ج ۱، ص ۲۰۴	لباس امیر مکه در مراسم رویت هلال	جامه سفید، عمامه
۱۸	ج ۱، ص ۲۰۵	کوچه‌های مکه در مراسم عمره رجب	هودج‌هایی (کجاوه) با پوششی از پارچه‌های حریر و کتان

۱۹	ج ۱، ص ۲۰۵	شترهای آراسته	قلاده‌های حریر و پرده‌های رنگین روی هودج‌ها
۲۰	ج ۱، ص ۲۱۰	لباس خطیب در مراسم ماه شوال	جبه سیاه
۲۱	ج ۱، ص ۲۱۳	پوشش کعبه	حریر سیاه یا آستر کتانی
۲۲	ج ۱، ص ۲۴۱	لباس اتابک احمد	جامه موپین که زیر لباس پوشیده می‌شد.
۲۳	ج ۱، ص ۲۴۲	لباس حضار در مراسم تعزیه پسر اتابک در ایذه ^{۱۲}	پارچه خام پنبه‌ای کلفت نیم دوز با آستر که به خاطر مراسم عزای لباس را وارونه (چپه) می‌پوشیدند، خرقه پاره یا پلاس پاره سیاه بر سر بسته بودند. برخی نیز جامه‌ای از تلیس (گونی) می‌پوشیدند.
۲۴	ج ۱، ص ۲۴۳	لباس مردی فقیر در مراسم تعزیه پسر اتابک	جامهٔ پشمی نمد مانند
۲۵	ج ۱، ص ۲۴۹	هدیهٔ شیخ قطب‌الدین اصفهانی به ابن بطوطه	هزرمیخی ^{۱۳} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۷۵) و طاقیه ^{۱۴} (همان، ۱۳۷۶: ۱/ ۵۳۰، ۲/ ۴۶۳)؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ طاقیه
۲۶	ج ۱، ص ۲۵۱	لباس زنان شیراز	موزه (خف) ^{۱۵} به پا (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۲۵۱)؛ ۴۵۵/۲؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ خف، بُرُقُوع ^{۱۶} بر رخ (دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ برقع)
۲۷	ج ۱، ص ۲۵۲	پوشش سر فرستاده سلطان ابوسعید پادشاه عراق	دستارچه ^{۱۷}
۲۸	ج ۱، ص ۲۵۸	لباس مردم شیراز	پوشیدن بهترین جامه‌ها و بستن پیش‌بندهای ابریشمی بر کمر
۲۹	ج ۱، ص ۲۷۵	لباس اساتید مذاهب اربعه در مدرسه مستنصریه بغداد	قبای سیاه بر تن و دستاری سیاه بر سر
۳۰	ج ۱، ص ۲۸۴	لباس غلامان تبریز	جامهٔ فاخر، دستمال ابریشمی بر کمر
۳۱	ج ۱، ص ۲۹۲	پارچه ماردینی	جنس پشم معروف مرغزی ^{۱۸} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۷۰)؛ دهخدا، ۱۳۵۲: ذیل واژهٔ مرغز)
۳۲	ج ۱، ص ۲۹۹	لباس طایفهٔ بجاهان در لنگرگاهی در دریای سرخ	بالاپوش زرد، عصابه سرخ‌رنگ به پهناهای یک انگشت بر سر
۳۳	ج ۱، ص ۳۰۰	لباس شیخ قبولهٔ هندی در شهر حلی	مُرَقَّع ^{۱۹} بر تن (دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ مرقعه)، قَلَنَسُوهُ ^{۲۰} نمدی بر سر (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۶۶)
۳۴	ج ۱، ص ۳۰۴	محل جلوس سلطان یمن	سکوی مفروش با پارچه‌های حریر
۳۵	ج ۱، ص ۳۱۱	هدایای سلطان مقدشو ^{۲۱} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۴۴/۱) به ابن بطوطه	فوطه ^{۲۲} (دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ فوطه)؛ (المنجد، ۱۳۸۹: ذیل واژهٔ فوط) خز بر کمر (به‌جای شلوار)، ذِراعَه ^{۲۳} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۵۴۴ و ۲/ ۴۵۶) از مَقَطَّع ^{۲۴} مصری، فرجی ^{۲۵} (همو، ۱۳۷۶: ۲/ ۴۶۵)؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ فرجیه) از پارچهٔ قدسی ^{۲۶} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱/ ۵۵۸، ۲/ ۴۶۶)؛ آستردار، عمامه مصری اعلی

۳۶	ج ۱، ص ۳۱۲	لباس سلطان مَقْدَسُو	فَرَجی قدسی سبزرنگ بر تن، زیر آن پارچه‌ای مصری پوشیده، فوطه ابریشمی بر کمر بسته، عمامه بزرگی بر سر
۳۷	ج ۱، ص ۳۱۷	لباس مردم طُفَّار ^{۳۷} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۴۵/۱)	جامه‌های پنبه‌ای بر تن، فوطه‌ای بر کمر (به جای شلوار)، فوطه‌ای دیگر بر پشت
۳۸	ج ۱، ص ۳۱۷	پارچه‌های ظفار	جنس حریر و پنبه و کتان
۳۹	ج ۱، ص ۳۲۴	لباس پیری در یک کاروان‌سرا	مرقع بر تن، قلنسوه نمدی بر سر
۴۰	ج ۱، ص ۳۲۵	لباس یک هم‌سفر هندی در کشتی	عبا
۴۱	ج ۱، ص ۳۳۳	هدیه شیخ ابوالحسن در جَرُون ^{۳۸} به ابن بطوطه	جامه، کمر بند صحبت (کمرالصحبه) ^{۳۹} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۴۸/۱)
۴۲	ج ۱، ص ۳۳۵	لباس پادشاه هرمز	قبای تنگ و شوخگین، عمامه بر سر، دستمال بر کمر
۴۳	ج ۱، ص ۳۳۸	لباس شیخ ابودلف درویش در خُنَجْ بال ^{۴۰} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۴۹/۱)	جبه پشمی سبز مندرس، عمامه پشمی سیاه
۴۴	ج ۱، ص ۳۴۸	لباس جوانمرد خانقاه انطالیه	جامه ژولیده، قلنسوه (کلاه) نمدی
۴۵	ج ۱، ص ۳۴۹	لباس جمعی از جوانان در خانقاه انطالیه	قبایی بر تن، قلنسوه پشمی سفید که از فرق آن منگوله‌ای آویزان بود بر سر، زیر قلنسوه عرقچینی از زردخانی ^{۴۱} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۵۴/۱، ۴۵۹/۲) یا پارچه دیگر
۴۶	ج ۱، ص ۳۵۲	پارچه لاذقی ^{۴۲} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۶۹/۲)	پنبه‌ای با حاشیه زردوزی، محکم و بادوام
۴۷	ج ۱، ص ۳۵۲	نشانه مردان و زنان رومی	مردان: قلنسوه بلند سرخ و سفید زنان: پیچیدن عمامه بزرگ بر سر
۴۸	ج ۱، ص ۳۵۶	لباس (نشانه) فتوت در خانقاه قونیه	شلوار
۴۹	ج ۱، ص ۳۶۶	لباس پیشخدمتان رومی سلطان پَرگی ^{۴۳}	جامه‌های حریر
۵۰	ج ۱، ص ۳۶۹	هدیه امیر آیاسلُوق ^{۴۴} به ابن بطوطه	جامه ابریشم زردوز به نام نخ ^{۴۵} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۳۷/۲)
۵۱	ج ۱، ص ۳۶۹	هدیه امیر از میر به ابن بطوطه	دو جامه ابریشم از نوع کمخا ^{۴۶} (ابن بطوطه، ۴۰۷/۲ و ۴۶۸)
۵۲	ج ۱، ص ۳۶۹	هدایای امیر از میر به شیخ عزالدین	جامه‌هایی از جنس ملف ^{۴۷} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۵۸/۱، ۴۷۳/۲) و مرعز و قدسی و کمخا
۵۳	ج ۱، ص ۳۸۸	لباس خطیب و قاضی در مراسم تشییع جنازه در صَنْوَب (سینوب) ^{۴۸}	به جای عمامه، شال پشمی سیاه بر سر داشته و لباس‌ها را پشت‌ورو (چپه) می‌پوشیدند.
۵۴	ج ۱، ص ۴۰۱	لباس زنان امرای ترک ازبک	لباسی فاخر با حلقه‌هایی که کینزان بتوانند دامن لباس را در دست بگیرند.
۵۵	ج ۱، ص ۴۰۲	لباس مردان ترک ازبک	پوستینی از پوست گوسفند، سرپوش متناسب با آن

(کلاه)			
بقتاقی ^{۳۹} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۶۴/۱، ۴۴۸/۲: دزی، ذیل واژهٔ بقتاق) بر سر، لباس از حریر مرصع به جواهر، مقنعهٔ حریر با حاشیهٔ زربفت و جواهردوزی	لباس زنان سلطان (خاتون) ازبک	ج ۱، ص ۴۰۵	۵۶
جامهٔ حریر زربفت مرصع به جواهر	لباس پیشخدمت‌های رومی و هندی سلطان ازبک	ج ۱، ص ۴۰۶	۵۷
سرپوشی به نام کلاه ^{۴۰} شبیه آقروف ^{۴۱} و در بالای آن دایره‌ای مرصع با پرطاووسی روی آن، جامهٔ حریر مُدْهَب (طلاکاری شده) معروف به «نخ»	لباس کنیزان خاتون ازبک	ج ۱، ص ۴۰۶	۵۸
قبا و پیشبندی ابریشمی	لباس آشپز و خوانسار خاص سلطان در مراسم عید ترکان	ج ۱، ص ۴۱۴	۵۹
پوستین‌های سمور و سنجاب	هدیهٔ دختر سلطان ازبک به ابن بطوطه	ج ۱، ص ۴۱۶	۶۰
لباس سفید و چتر زربفت	لباس شاهزادگان فنکیه ^{۴۲}	ج ۱، ص ۴۲۰	۶۱
لباس‌های حریر زربفت مرصع	لباس غلامان، کنیزان و خدمهٔ خاتون فنیکه	ج ۱، ص ۴۲۰	۶۲
خَلْه‌ای مرصع به جواهر به نام نخ و نسج ^{۴۳} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۷۳/۲)	لباس خاتون فنیکه	ج ۱، ص ۴۲۰	۶۳
خرقهٔ موبین به نام «مُسُوح» ^{۴۴} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۷۱/۲: دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ مِسْح)	لباس سلاطین قسطنطنیه	ج ۱، ص ۴۲۷	۶۴
جامهٔ پشمی، قلنسوه نمدی	لباس دوشیزگان تارک دنیا در مانستار ^{۴۵} قسطنطنیه	ج ۱، ص ۴۲۷	۶۵
عمامه‌های بزرگ	پوشش زنان عامی قسطنطنیه	ج ۱، ص ۴۲۸	۶۶
جامهٔ سیاه راهبان	لباس قاضی بیزانس	ج ۱، ص ۴۲۹	۶۷
یک طاقه پارچهٔ کتان‌ی اعلا، ده جامهٔ ابریشم و کتان و پشم	هدیهٔ پدر خاتون ^{۴۶} به ابن بطوطه در قسطنطنیه	ج ۱، ص ۴۳۰	۶۸
سه پوستین، دو شلوار (یکی آستردار)، سه موزه: پشمی، کتان‌ی، بُرغالی ^{۴۷}	لباس ابن بطوطه در سرمای روسیه	ج ۱، ص ۴۳۱	۶۹
پوستین سمور	هدیهٔ ترابک (خواهر امیر خوارزم) به ابن بطوطه	ج ۱، ص ۴۳۹	۷۰
جامهٔ شوخگین، مقنعه بر سر	لباس خاتون خوارزم	ج ۱، ص ۴۳۹ و ۴۴۰	۷۱
پارچه‌های ابریشم	کالاهای بازرگانان چین و ختا	ج ۱، ص ۴۴۴	۷۲
قبای قدسی سبز بر تن، دستار ^{۴۸} قدسی بر سر	لباس پادشاه ماوراءالنهر	ج ۱، ص ۴۴۸	۷۳
قبای پنبه‌ای کهنه، قلنسوه نمدی بدون عمامه	لباس شیخ حسام‌الدین یاغی امام جماعت ماوراءالنهر	ج ۱، ص ۴۵۰	۷۴
پارچه‌های حریر از نخ و کمخا و غیره	پارچه‌های نیشابور	ج ۱، ص ۴۷۱	۷۵

برهنه با فوطه به کمر، فوطه خیس بر دوش	لباس همراهان ابن بطوطه در شهر سیوستان ^{۴۹}	ج ۲، ص ۲۱	۷۶
لباس سپید، عمامه بزرگ دنباله‌دار که دنباله آن به یک سوکج شده بود.	لباس شیخ هندی	ج ۲، ص ۳۶	۷۷
جامه نبریده از پارچه پنبه‌ای زبر و ساده که بخشی را بر کمر می‌بستند و بخشی را بر سر و دوش می‌انداختند.	لباس زنان داوطلب سوزانده شدن در هند ^{۵۰}	ج ۲، ص ۳۸	۷۸
جامه سپید	لباس مردم هند	ج ۲، ص ۴۹	۷۹
جامه رنگین	لباس شاکیان و عریضه داران نزد قاضی در هند	ج ۲، ص ۴۹	۸۰
دریافت جامه‌ای با گردن‌بند و بازوبندهای طلا	رسم مسلمان شدن یک هندو	ج ۲، ص ۶۳	۸۱
کلاه زرین جواهرنشان با پر طاووس	لباس نقیب النقیبا در کاخ سلطنتی هند	ج ۲، ص ۷۲	۸۲
دستارچه‌های زردوزی شده	لباس نقیبان در کاخ سلطنتی هند	ج ۲، ص ۷۲	۸۳
لگام اسب‌های سلطنتی، حریر سیاه و زربفت، لگام سایر اسب‌ها، حریر سفید زربفت	تزئینات اسب‌های سلطنتی با پارچه در مراسم جلوس سلطان	ج ۲، ص ۷۴	۸۴
دستارچه زرین بر سر، منطقه ^{۵۱} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۷۲/۲؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژه منطق) زرین و برخی مرصع به جواهر	لباس غلامان سیاه‌وسفید در مراسم نماز اعیاد	ج ۲، ص ۷۷	۸۵
آقروف زرین بر سر، منطقه زرین بر میان	لباس نقیبان در مراسم شب عید	ج ۲، ص ۷۷	۸۶
جامه عباسی سیاه زربفت و جواهرنشان و عمامه‌ای همانند آن	خلعت سلطان محمد تغلق به واعظ ترمذی ملقب به ناصرالدین	ج ۲، ص ۸۶	۸۷
جامه‌هایی با دانه‌های جواهر به جای دکمه	هدیه سلطان هند به ابن‌الخلیفه (غیاث‌الدین)	ج ۲، ص ۹۲ و ۹۳	۸۸
خلعت ابریشم کیود زربفت و مرصع، دستارچه زربفت و مرصع	هدیه سلطان هند به دامادهای خود	ج ۲، ص ۹۷	۸۹
جامه‌های ابریشم الوان	هدیه سلطان به خاتون‌ها بعد از مراسم عروسی دختر سلطان	ج ۲، ص ۹۸	۹۰
خلعت زربفت ابریشمی، جامه نبریده از حریر و کتان و پنبه	هدیه مادر سلطان هند به ابن بطوطه	ج ۲، ص ۱۴۱	۹۱
خلعت مرعزی	بخشش وزیر به ابن بطوطه	ج ۲، ص ۱۴۲	۹۲
پیراهن کتانی زرکش، خلعت ابریشمی، چند جامه	هدیه سلطان به کنیز ابن بطوطه	ج ۲، ص ۱۴۴	۹۳
جامه حریر زربفت به نام "صورت شیر"	هدیه سلطان هند به امیرداد (قاضی مظالم)	ج ۲، ص ۱۴۹	۹۴
خرقه ارزق نخی آستردار	لباس ایام اعتکاف ابن بطوطه	ج ۲، ص ۱۶۹	۹۵
پارچه‌های کمخا، بافت شهر زیتون ^{۵۲} و شهر خنسا ^{۵۳} ، (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۳۱/۲؛ ۴۰۹، ۴۳۱) جامه‌های مرصع به جواهر	هدایای سلطان چین برای سلطان هند	ج ۲، ص ۱۷۰	۹۶

جامهٔ پنبه‌ای بی‌ریمی، پارچه‌های حریر، جامهٔ مرعزی به رنگ‌های سیاه‌وسفید و سبز و کبود، کتان رومی، جامه‌های سلطنتی زربفت، دستارچهٔ سلطنتی مرصع به جواهر، دستیان ^{۵۴} مرصع به جواهر	هدایای سلطان هند برای سلطان چین	ج ۲، ص ۱۷۰	۹۷
عبایی از پشم شتر	لباس جوکی ^{۵۵}	ج ۲، ص ۱۹۸	۹۸
پارچه‌ای نمدوخته به‌جای لباسی که یک طرفش را به کمر می‌بندند و بقیه پارچه را روی سر و سینه می‌اندازند.	لباس زنان هِنور	ج ۲، ص ۲۰۰	۹۹
جامهٔ ابریشمی	لباس کنیزک پادشاه هِنور	ج ۲، ص ۲۰۱	۱۰۰
پارچهٔ کتانی و ابریشمی نازک (فوطه) بر کمر، دو روپوش بر دوش، عمامهٔ کوچک، قبا، دو روپوش روی قبا	لباس پادشاه هِنور	ج ۲، ص ۲۰۱	۱۰۱
پارچهٔ سپید نازک از ناف تا زانو، عمامه کوچک فوطه‌ای بسته به کمر به‌جای شلوار، ولیان ^{۵۷} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۷۴/۲)، برخی دستار و برخی دستمال کوچک بر سر، همه پابرهنه	لباس سلطان کالیکوت ^{۵۶}	ج ۲، ص ۲۱۳	۱۰۲
ولیان، دستارهای کتانی	لباس مردم جزایر مالادیو	ج ۲، ص ۲۲۳	۱۰۳
فوطه‌ای از ناف تا پایین تنه، گاه پیراهنی آستین کوتاه و عریض روی فوطه	پارچه‌های صادراتی مالادیو	ج ۲، ص ۲۲۵	۱۰۴
قبای مرعزی مصری، عمامهٔ بزرگ، فوطهٔ حریر بر دوش، کفش	لباس زنان مالادیو	ج ۲، ص ۲۲۶	۱۰۵
دو جامهٔ ابریشمی	لباس وزیر مالادیو در مراسم عید	ج ۲، ص ۲۳۷	۱۰۶
پارچهٔ پنبه‌ای نرم و عالی	هدیهٔ ابن بطوطه به وزیر مالادیو	ج ۲، ص ۲۶۶	۱۰۷
جبهٔ مرعزی، طاقیه ^{۵۸} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۵۳۰/۱، ۴۶۳/۲؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژهٔ طاقیه) بر سر، مرقع برتن	پارچه‌های بنگاله	ج ۲، ص ۲۶۸	۱۰۸
پوست بز که رویهٔ پشم دار آن رو به بیرون بود، پیشانی‌بندی ابریشمی و رنگی بر سر	لباس‌های شیخ بنگاله	ج ۲، ص ۲۷۱	۱۰۹
فوطهٔ ابریشم خالص، فوطهٔ ابریشم و نخ، فوطهٔ ابریشم و کتان	هدیهٔ سلطان جاوه به ابن بطوطه	ج ۲، ص ۲۷۷	۱۱۱
قباهایی از ابریشم و نخ	لباس معمولی سلطان	ج ۲، ص ۲۷۹	۱۱۲
گران‌تر بودن پارچه‌های نخی از ابریشمی	پارچه‌های مُلجاوه ^{۶۰}	ج ۲، ص ۲۸۳	۱۱۳
جبهٔ نخی زیر، جامهٔ ابریشمی	لباس مردم چین	ج ۲، ص ۲۹۱	۱۱۴
ارزان‌تر از پارچهٔ نخی	پارچه‌های ابریشمی چین	ج ۲، ص ۲۹۱	۱۱۵
جامهٔ عراقیان	لباس ابن بطوطه در چین	ج ۲، ص ۲۹۲	۱۱۶
قبای سپید	لباس مسلمانان و کفار ختا در مراسم عزا	ج ۲، ص ۳۱۱	۱۱۷
جامه‌های سپید، دستارچه‌های	لباس شاهزادگان و امرا در عروسی	ج ۲، ص ۳۱۵	۱۱۸

مرصع به جواهر	پسر سلطان جاوه		
جامه‌ای فاخر از پارچه زردخانی یا نظیر آن، عمامه حاشیه‌دار	لباس دوغای مترجم در مراسم جلوس سلطان در قبه	ج ۲، ص ۳۵۱	۱۱۹
دستارچه‌ای زربفت بر سر، یک عصابه زرین که دور دستارچه پیچیده می‌شد و از آن تیغه‌های نازک کاردمانندی آویزان بود، جبهه سرخ مزین از پارچه‌های رومی به نام «مُطَنَفَس» ^{۶۱} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۷۱/۲)	لباس سلطان در مراسم جلوس در قبه	ج ۲، ص ۳۵۲	۱۲۰
لباس مندرس، دستارچه کهنه بر سر	لباس سیاهان هنگام تذلل در برابر پادشاه	ج ۲، ص ۳۵۲	۱۲۱
جامه‌های سفید و بلند و طیلسان	لباس مردم و سیاهان در اعیاد فطر و قربان	ج ۲، ص ۳۵۳	۱۲۲
پارچه‌های ابریشمی پیچیده شده بر دورشان	لباس سیاهان آدم‌خوار	ج ۲، ص ۳۶۱	۱۲۳
لثام ^{۶۲} (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۴۶۹/۲؛ دزی، ۱۳۸۳: ذیل واژه لثام) بر چهره	پوشش اهالی تُنُبُکُتو ^{۶۲}	ج ۲، ص ۳۶۲	۱۲۴
لباس، عمامه، شلوار همه از پارچه‌های رنگین	لباس امیر جدید تمبکتو	ج ۲، ص ۳۶۳	۱۲۵
بالاپوش، عمامه‌ای تماماً کبود رنگ	لباس سلطان تَکَنَّا ^{۶۴}	ج ۲، ص ۳۶۸	۱۲۶

بنا بر اطلاعاتی که جدول فوق به دست داده است، عمده موضوعات گزاره‌ها شامل لباس افراد و پارچه‌هاست.

با توجه به این که مفهوم‌یابی گزاره‌ها نیازمند دقت بالایی است، این دو موضوع محوری به موضوعات دقیق‌تر تقسیم شده‌اند که عبارتند از:

(۱) لباس اشخاصی که به هر دلیل از سایر مردم متمایز بودند (از سلاطین و امرا و اشراف تا شیخ و جوانمرد خانقاه و خدمتکاران سلاطین)

(۲) لباس افراد عادی به طور عام و نیز در مراسم و مناسبت‌های مختلف

(۳) پارچه‌هایی که یا در تزئینات دربار و اماکن خاص در مراسم و مناسبت‌ها استفاده می‌شدند یا منسوب به مرکز تولید (نام شهر یا نام پارچه - و نه نوع آن -) بودند.

(۴) هدایای دریافت شده توسط ابن بطوطه

(۵) لباس‌های ابن بطوطه و همراهان وی

جدول فراوانی موضوعات فوق در سفرنامه چنین است:

جدول ۲: فراوانی لباس و پارچه

موضوع	فراوانی
لباس اشخاص متمایز از مردم	۵۳
لباس افراد عادی	۲۶
پارچه‌ها	۲۹
هدایای ابن بطوطه	۱۲
لباس‌های ابن بطوطه و همراهان	۴

از جدول فوق چنین برمی‌آید که عمدهٔ توجه ابن بطوطه به لباس‌های اشخاص متمایز، بیش از دیگران بوده است. توجه به او و استقبال از وی به‌عنوان یک عالم جهانگرد از سوی بزرگان شهرها، توجه او به افرادی که به هر دلیل از عامهٔ مردم جدا بوده‌اند، سطح بالای تعامل اجتماعی^{۶۵} او با ساکنان شهرها و دقت او به شیوهٔ تعاملات آن‌ها، می‌تواند از دلایل تفاوت معنادار این فراوانی باشد. از سوی دیگر پیشینهٔ اجتماعی ابن بطوطه در نگرش او به حیات اجتماعی سرزمین‌های مورد سفرش در این توجه، تأثیر قابل تأملی داشته است، چنان که خود اظهار می‌دارد پدران‌ش از مشایخ و قضات (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۱۴۹/۲) بودند. گماشته شدن ابن بطوطه به منصب قضا در دهلی (همان، ۱۳۷۶: ۱۵۰/۲، ۱۶۶) و جزایر مالادیو (همان، ۱۳۷۶: ۲۲۳/۲، ۲۳۸) و سفارت چین از سوی سلطان هند (همان، ۱۳۷۶: ۱۶۹/۲) و نیز انتصاب او به شغل قضا در یکی از شهرهای مراکش، پس از بازگشت از سفر دلیل بر این مدعا است.

مفهوم یابی گزاره‌ها

در این مرحله، گزاره‌ها به‌صورت مجزا خُرد و مفاهیم آنها استخراج شدند. از مجموع ۱۳۶ گزاره، چهار مفهوم محوری نوع، جنس، رنگ و ویژگی‌های کلی شناسایی شد. جدول ذیل ترتیب فراوانی هر یک از این مفاهیم محوری را نشان می‌دهد:

جدول ۳: فراوانی مفاهیم محوری

مفهوم محوری	فراوانی
نوع لباس	۱۷۲
جنس	۱۵۱
ویژگی‌های کلی	۴۸
رنگ	۴۹

آن چه در جدول فوق آشکار است تفاوت معنادار دو مفهوم محوری "نوع" و "رنگ" نسبت به مفاهیم دیگر است. این که نوع پوشاک به‌عنوان نخستین عامل جلب‌توجه بیننده، بیش از جنس و رنگ و سایر ویژگی‌ها موردتوجه بوده است، چندان دور از ذهن نیست. اما فراوانی پایین "رنگ" نسبت به مفاهیم دیگر می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. توجه کم ابن بطوطه به رنگ به‌عنوان یکی از آشکارترین ظواهر قابل مشاهده حیات اجتماعی در سراسر سفرنامه او قابل‌پیگیری است، چنان‌که در موضوعات دیگری چون وصف طبیعت، اماکن، و حتی خوراک نیز به "رنگ" توجه چندان ندارد. این امر علاوه بر این که ممکن است ریشه در ویژگی شخصیتی او داشته باشد، می‌تواند نشانه‌ای بر عدم تنوع رنگ پارچه‌ها و پوشاک در آن دوره زمانی باشد. جستجو و مطالعه موضوع رنگ پوشاک در منابع اسلامی هشت قرن اول، می‌تواند این فرض را تقویت یا تضعیف کند.

به‌منظور بررسی دقیق‌تر برای حصول نتیجه‌ای قابل‌قبول، ریز مفاهیم داخل هر یک از این چهار مفهوم محوری به همراه فراوانی‌شان استخراج شده‌اند.

در مفهوم محوری "نوع پوشاک" ۳۸ ریز مفهوم شناسایی شد که فراوانی هر یک از آن‌ها به ترتیب چنین است:

جامه ۴۱، عمامه (بزرگ و کوچک) ۲۰، فوطه ۱۴، دستار و دستارچه ۱۳، قبا ۱۱، کلاه ۲، قلنسوه ۷، جبه ۷، پوستین ۵، خلعت ۴، عصابه ۳، عبا ۳، خرقه ۳، مرقع ۳، شلوار ۳، دستمال (سر و کمر) ۳، مینطقه ۲، طبلسان ۲، موزه ۲، بالاپوش ۲، مقنعه ۲، ولیان ۲، طاقیه ۲، فرجی ۲، پلاس، ملحفه (به‌عنوان جامه و نه نوع پارچه)، کمربند (کمرالصحبه)، آقروف، برقع، حله، لثام، دامن، مقطع، تنوره، کفش، ذراع، بقطاقی (تاج) و دستبان هرکدام یک‌بار.

باتوجه به فراوانی داده‌های فوق نگرش کلی ابن بطوطه در موضوع پوشاک همچنان قابل‌مشاهده است، چنان که استفاده از جامه، علاوه بر این که بیشترین فراوانی را دارد، دارای بیشترین اختلاف فراوانی با مفاهیم دیگر است، چنان که جز در موارد معدود از ذکر دقیق نام جامه خودداری کرده است. نکته دیگری که از داده‌ها به دست می‌آید این است که پوشش سر بیش از پوشاک دیگر موردتوجه ابن بطوطه بوده است. این مطلب هم از فراوانی عمامه و دستار و دستارچه نسبت به سایر انواع پوشاک برمی‌آید و هم از دقت و توجه او به اندازه آن‌ها، این دقت تا آن جایی است که حتی از ذکر دستمال سر و نیز مقنعه و برقع و لثام برای زنان چشم‌پوشی نکرده است.

در مفهوم محوری "جنس پوشاک" ۱۷ ریز مفهوم قابل شناسایی شدند که در دو گونه عام و خاص قابل تقسیم هستند. فراوانی جنس پوشاک در گونه عام چنین است:

زردوزی و مرصع ۲۹، ابریشم ۲۷، حریر ۲۰، پشم ۱۵، کتان ۱۲، پنبه ۱۱، نمد ۶، نخ ۵، مو ۲، خز ۱، پوست بز ۱، تلیس (گونی) ۱.

در گونه خاص نیز نخ (به عنوان نام نوعی پارچه نه جنس نخ) ۵، مرعز ۶، قدسی ۵، کمخا ۴ و میلف ۱ فراوانی دارند.

از داده‌های بالا چنین به دست می‌آید که همان‌طور که در موضوع پوشاک توجه ابن بطوطه به اشخاص متمایز از مردم عادی بیشتر بود، در جنس پوشاک هم به پارچه‌ها و جامه‌های زردوزی و مرصع کاری شده توجه بیشتری داشته است. این مطلب همچنین به تفاوت بدیهی پوشاک سلاطین و امرا و بزرگان با پوشاک عامه مردم از حیث جنس اشاره دارد. جالب توجه است که با مطالعه هریک از گزاره‌های پوشاک در سفرنامه درمی‌یابیم که جنس ابریشم و حریر که فراوانی‌های دوم و سوم را دارند نیز اغلب به پوشاک این اشخاص مربوط می‌شود، همچنین گونه‌های مرعز و قدسی و کمخا نیز از پارچه‌های ارزشمند به شمار می‌آمده‌اند. داده‌های این قسمت نیز مانند قبل نشانه‌ای بر نگرش کلی و عام ابن بطوطه به مقوله پوشاک است، چرا که همچنان به جنس پارچه‌ها و پوشاک خواص مردم بیشتر توجه داشته و از ذکر پارچه‌های کم‌ارزش‌تر و مورد استفاده عامه، جز به‌ضرورت سخن نگفته است.

مفهوم محوری "رنگ پوشاک" شامل هشت ریز مفهوم با فراوانی:

سیاه ۱۶، سفید ۱۴، رنگین ۵، سبز ۴، کبود ۴، سرخ ۳، زرد ۲، ازرق ۱ می‌باشد. تعداد کم مفاهیم مربوط به رنگ پوشاک امکان نتیجه‌گیری دقیق را نمی‌دهد، جز این‌که می‌توان گفت احتمالاً رنگ‌های سفید و سیاه بیش از سایر رنگ‌ها معمول بوده است.

مفهوم محوری "ویژگی‌های کلی پوشاک" شامل ۲۵ ریز مفهوم با فراوانی ذیل می‌باشد:

بزرگ (بزرگ‌تر) ۶، مندرس و کهنه ۴، مفاهیم زیر و خشن، فاخر، عالی (اعلا)، کوتاه، کوچک هر کدام با ۳ فراوانی، مفاهیم نازک، گران و ارزان، شوخگین، پاره، بلند هر کدام با ۲ فراوانی، باقی مفاهیم تنها یک فراوانی دارند که شامل برزین، خوب، ظرافت و نظافت، سبک، کلفت، بهترین، تنگ، ژولیده، محکم و بادوام، ساده، عریض، نرم، خالص است. فراوانی و گستره این مفاهیم چنان است که رابطه معناداری از آن قابل شناسایی نیست.

علاوه بر این چنان کلی و غیردقیق هستند که نمی‌توان از آن‌ها به‌عنوان مواردی قابل‌توجه در تحلیل موضوع توجه کرد، تنها نکته قابل‌تأمل این است که با مطالعه گزاره‌های مربوط به موضوعات پوشاک در سفرنامه ابن بطوطه در می‌یابیم که برای مثال توجه وی به "پوشاک" نسبت به "خوراک" به میزان قابل‌توجهی کمتر بوده است، چرا که در موضوع خوراک دقت او تا آنجا بوده است که علاوه بر ذکر سلیقه شخصی خود در طعم غذا^{۶۶}، شیوه‌های تهیه آنها را نیز آورده و جزئیات را با وسواس قابل‌توجهی ذکر کرده است. مقایسه مقوله‌های محوری موضوع این پژوهش با "خوراک" در این سفرنامه نتایج قابل‌توجهی را در پی خواهد داشت.

نتیجه

از بررسی مفاهیم محوری گزاره‌های مربوط به پوشاک در سفرنامه ابن بطوطه و مقایسه فراوانی آنها چنین به دست می‌آید که صرف‌نظر از توجه کمتر او به مقوله‌های مشابه در حیات اجتماعی، او به ذکر جزئیات نیز چندان اهمیتی نداده است و جز در وصف پوشش خاندان‌های سلطنتی و اشراف و بزرگان دقت نظر مورد انتظار را نداشته است.

کلی‌نگری و استفاده از واژه‌های غیردقیق و اکتفا به کوتاه‌ترین عبارات در وصف لباس‌ها و پارچه‌ها و حتی هدایای دریافتی‌اش از سلاطین و امرا و بزرگان کاملاً مشهود است، چنان که گویی جز در موارد خاص چیزی از پوشاک توجه او را به خود جلب نمی‌کرده است. باتوجه‌به مطالب ارائه شده در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که کانون توجه ابن بطوطه به پوشاک در سفرهایش، پوشش اشخاص متمایز از مردم عادی بوده است.

پی‌نوشت

۱- ابن بطوطه در دوران سفر خود، ۴ بار به مکه رفت و در مراسم حج شرکت کرد. وی اولین سفرش را به‌تنهایی و از طنجه آغاز کرد. در تونس با کاروان حج به قاهره رفت و از آنجا از مسیر شام به کاروان حج شامیان پیوست و در معیت آنان به مدینه و سپس مکه رفت. این سفر در سال ۷۲۶ ه.ق پایان یافت. سفر دوم وی در سال ۷۲۶ ه.ق انجام شد. در این سفر به مدت سه سال (۷۲۷ تا ۷۳۰ ه.ق) در مکه ماند و هر سال در مراسم حج شرکت کرد. سومین سفر در سال ۷۳۲ ه.ق و چهارمین و آخرین سفر به مکه در سال ۷۴۹ ه.ق از مسیر عیذاب و از طریق دریای سرخ به جده انجام شد. نکته قابل‌ذکر این که برخی از نویسندگان، سه سال اقامت پیوسته ابن بطوطه در مکه و انجام هر ساله حج را جداگانه به شمار آورده و تعداد سفرهای او به مکه را ۶ بار ذکر کرده‌اند.

۲- هنور یا هانور بندری قدیمی در کناره غربی هندوستان

۳- باتوجه‌به این که بخش آغازین سفرنامه شامل دیباچه و مقدمه مترجم است، مطالب مربوط به مقوله پوشاک از صفحه ۵۳ متن فارسی (صفحه ۲۲ متن عربی) آغاز می‌شود.

۴- شهر «فوا، فوه امروزی» واقع در مصر است و در استان کفر الشیخ در ۱۸۱ کیلومتری قاهره قرار دارد.

۵- نوعی پیراهن، لباسی گشاد و بلند که روی سایر لباس‌ها پوشیده می‌شده است.

۶- از شهرهای مشهور مصر میانه در قرون وسطی است و در ۱۹۸ کیلومتری جنوب قاهره واقع شده است. بیشتر از هر چیز، به‌خاطر منسوجاتش شهرت دارد. انواع پارچه‌های ابریشمی، پشمی، کتانی و پنبه‌ای در این شهر بافته می‌شده است و به نام پارچه‌های بهنسایی معروف بودند.

۷- بجا یا بجه (Beja) از اقوام بدوی ساکن در سودان، مصر و اریتره هستند. ناصر خسرو آنها را مردمی بی‌آزار می‌داند که چون در بیابان و دور از مناطق آباد زندگی می‌کنند به هیچ پیغمبر و پیشوایی ایمان نیاورده‌اند.

۸- شهری است در کنار دریای سرخ (قلزم) که در گذشته متعلق به سلطان مصر بوده است.

کشتی‌ها از حبشه و زنگبار و یمن به آنجا می‌آمدند و بارها را تخلیه و سپس بار شتر می‌کردند و از بیابانی طولانی و عظیم که محل سکونت طایفه بجاهان بوده عبور می‌کردند و در شهر اسوان با کشتی و از طریق رود نیل به مصر می‌رفتند.

۹- پارچه‌ای باریک که بر سر می‌بندند. پیشانی‌بند

- ۱۰- یکی از شهرهای شام
- ۱۱- سرپوشی چارقد مانند که سر و دوش انسان را می‌پوشاند و بیشتر رجال دین و علما می‌پوشند. ردا، جامه بلند و گشاد
- ۱۲- از شهرستان‌های استان خوزستان است و یکی از شهرهای بختیاری نشین می‌باشد. ابن بطوطه نام دیگر آن را «مال‌الامیر» و پایتخت اتابکان ذکر می‌کند. پس از سقوط اتابکان در سال ۸۵۷ ه.ق، این شهر از رونق افتاد.
- ۱۳- معرب هزارمیخی است، جامه سفید گشاد و پولک‌دار ویژه مشایخ
- ۱۴- نوعی کلاه بلند تاج‌دار
- ۱۵- کفشی که تا ساق پا بالا می‌آید.
- ۱۶- روبند، تکه پارچه‌ای که زنان صورت خود را با آن می‌پوشانند.
- ۱۷- عمامه کوچک، پارچه‌ای که دور سر می‌بندند، کلاه عمامه مانند
- ۱۸- مرعز با اعراب «مِرْعَز، مَرْعَز، مِرْعِز»، پارچه‌ای نفیس بوده که از موی نازک بز بافته می‌شده است. پشم ریز موی بز، کُرک که از زیر موی بز می‌گیرند. جامه‌هایی که از آن ساخته می‌شود، نرم‌تر و کم‌حرارت‌تر از پشم است.
- ۱۹- جامه‌ای آستین‌دار و دارای وصله بسیار
- ۲۰- کلاه دراز
- ۲۱- امروز جزو کشور سومالی است.
- ۲۲- نوعی پارچه است. لُنگ
- ۲۳- قباپی است که قسمت بالای آن تا سینه‌چاک داشته و دکمه می‌شده است و بیشتر دیوانیان و اهل مناصب می‌پوشیدند.
- ۲۴- نوعی کتان نرم و نازک بوده که در شمال آفریقا و مصر بافته می‌شده است.
- ۲۵- پیراهنی فراخ بوده که بیشتر مشایخ و اهل طریقت استفاده می‌کردند.
- ۲۶- پارچه‌هایی که در بیت‌المقدس بافته می‌شدند.
- ۲۷- مطابق گفته ابن بطوطه آخرین بلاد یمن است. در گذشته تحت سیطره امرای یمن بوده است. امروزه یکی از زیباترین استان‌های کشور عمان است.
- ۲۸- نام قدیمی بندرعباس در گذشته است. از شهرستان‌های استان هرمزگان می‌باشد.

- ۲۹- به کمر بسته می‌شود و هنگام نشستن مثل متکا به آن تکیه می‌کنند. در میان اهل فتوت مرسوم بوده و بیشتر در اویش ایرانی از آن استفاده می‌کردند.
- ۳۰- نام دو شهر جدا از هم بوده است.
- ۳۱- پارچه تافتۀ شفاف زردرنگ، پارچه ابریشمی و لطیف که روی آن تصاویر حیوانات طراحی می‌شده است.
- ۳۲- نوعی پارچه پنبه‌ای با حاشیۀ زردوزی شده که زنان یونانی در شهر لاذق می‌بافتند.
- ۳۳- بیرگی شهری کوچک در ناحیۀ «اودمیش» از استان ازمیر واقع شده است. از دوران حکومت عثمانی آثار تاریخی متعددی همچون مساجد، قلعه‌ها، کتابخانه‌ها، مقبره‌ها و ... در این منطقه باقی مانده است.
- ۳۴- جامۀ حریر زردوزی شده، نخ هم به حریر و هم به جامه‌ای که از حریر بافته می‌شد می‌گفتند.
- ۳۵- شهری کوچک بر ساحل غربی آناتولی و مرکز ناحیۀ آیین جیلر از استان ازمیر است. از سال ۱۳۳۲ ق.ه/ ۱۹۱۴ م به نام «سِچلوق» یا «آکلین جیلر» تغییر نام داد اما همچنان به نام «یاسلُق» که در قرون وسطی به آن شهرت داشت باقی مانده است.
- ۳۶- پارچه‌ای ابریشمی و زربفت با نقش‌های برجسته که در مراکزى مانند بغداد، تبریز، نیشابور و چین بافته می‌شد.
- ۳۷- مِلف یا مِلف نوعی پارچه نفیس و فاخر
- ۳۸- شهری است در ترکیه و در ساحل دریای سیاه
- ۳۹- تاج کوچک مزین به جواهر با پر طاووس در قسمت بالای کلاه، لباسی بی‌آستین یا با آستین بسیار کوتاه که در زیر فرجیه می‌پوشیدند و از پارچه نخی بعلبکی به رنگ سفید یا از پوست سنجاب دوخته می‌شد.
- ۴۰- متن عربی: عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنَ الْبَنَاتِ الْكِكَلَا، وَ هُوَ شِبْهُ الْأَقْرُوفِ ...
- ۴۱- کلاه کوچک و ظریف (احتمالاً عرقچین)
- ۴۲- فنیکه یا فینیکه شهری کوچک در نزدیکی آنتالیا
- ۴۳- حریر زربفت

۴۴- لباسی مویین که شکل ظاهر و دوخت مناسبی نداشته و آن را به‌خصوص کشیشان و غلامان می‌پوشیدند.

۴۵- به معنی صومعه، دیر و خانقاه است. ابن بطوطه آن را شبیه مارستان می‌داند و می‌گوید مانستار برای مسیحیان مانند خانقاه برای مسلمانان است.

۴۶- دختر تکفور سلطان قسطنطنیه به نام پیلون به‌عنوان خاتون سوم در دربار سلطان محمد ازبک زندگی می‌کرده است. هنگام سفر به قسطنطنیه برای دیدار خانواده و وضع حمل، ابن بطوطه نیز همراه آنان بود.

۴۷- بلغاری، رویه آن از چرم اسب و آستر آن از پوست گرگ بود.

۴۸- عمامه، شال دور سر

۴۹- منطقه‌ای بزرگ در سند است که در سال ۶۹۷ ه.ق مغولان آن را اشغال کردند و سپاه هند به فرماندهی نصرت خان مغولان را شکست داد و آنان را متواری کرد.

۵۰- زنده سوزانده شدن زنان در آتش بعد مرگ همسرانشان، نشانه وفاداری به شوهر و مایه افتخار خانواده زن محسوب می‌شده است. گرچه این رسم که به «رسم ساتی» معروف است، در سال ۱۸۲۹م ممنوع شد ولی هنوز در برخی از روستاهای هند اجرا می‌شود.

۵۱- کمربند، میان‌بند

۵۲- امروزه به نام چوان جو معروف است.

۵۳- نام امروزی آن هانگ جو یا هانگ چو است.

۵۴- دستانه، دستکش چرمی که بازداران برای محافظت از آسیب پنجه باز آن را می‌پوشند. ساعدبند آهنین که مردان در روز جنگ در دستشان می‌کنند، دستکش

۵۵- فرقه‌ای از مرتاضان هندی. پیروان این فرقه به دنبال ریاضت کشیدن و تسلط کامل بر نفس، تزکیه روح و بریدن از دنیای مادی هستند.

۵۶- شهری است در ایالت کرالا در جنوب هندوستان و نخستین شهری بود که واسکودوگاما، کاشف راه دریایی هند، به آن پا گذاشت.

۵۷- جامه‌ای شبیه لباس احرام برای بالاتنه

۵۸- نوعی کلاه بلند که مشایخ بر سر می‌گذارند. عرقچین کوچکی که زیر عمامه بر سر

می‌گذاشتند.

۵۹- بخش غربی برمه

۶۰- جاوه یا سوماترای امروزی

۶۱- نوعی قماش که از فرنگ به آفریقا می‌بردند.

۶۲- شهری در کشور مالی در آفریقای غربی است.

۶۳- بندی که دهان و قسمت پایین چهره را می‌پوشاند، پارچه‌ای که قسمت زیرین چهره را با آن می‌پوشانند.

۶۴- تَکَدَا به معنی برکه، چشمه شور. شهری است در جنوب قسمت مرکزی صحرای آفریقا. مالی مدتی بر این منطقه تسلط داشته است.

۶۵- گرچه ابن بطوطه سفر خود را به‌تنهایی آغاز کرد اما در گذر زمان و عبور از مکان‌های مختلف گاهی با کاروانیان همراه می‌شد و گاهی افرادی سرشناس از علما، فقها، قضات و تجار او را همراهی می‌کردند. (شکوه‌السادات حسینی، سه سفرنامه، سه دیدگاه، ناصر خسرو، ابن بطوطه، برادران امیدوار، مجموعه مقالات همایش حکیم ناصر خسرو قبادیانی). به‌عنوان نمونه تعداد همراهان وی در دهلی ۴۰ نفر ذکر شده است (ابن بطوطه، ج ۲، ص: ۱۴۲). ابن بطوطه در طول سفر گاهی در فقر و مضیقۀ مالی به سر می‌برده و مجبور به فروش مرکب و متاع خود بوده و گاهی از هدایا و کمک‌های مالی قضات، سلاطین، شیوخ، خاتون‌های دربار و یا موقعیت‌های شغلی بهره‌مند می‌شده و در رفاه کامل زندگی می‌کرده است. اشتغال به حرفه قضات در دهلی و مالدیو، دریافت هدایایی همچون مواد خوراکی و پول و جامه‌های نیکو از جانب پیلون خاتون سوم سلطان محمد ازبک، نظارت بر چند باب قریه با درآمد سالیانه ۵۰۰۰ دینار و برقراری حقوق به میزان سالیانه ۱۲۰۰۰ دینار بابت حرفه قضات از طرف سلطان محمد تغلق در دهلی، اعطای ۲۰۰۰ دینار نقد با ۱۰ خلعت به هر یک از همراهان ابن بطوطه و نظایر این موارد تأمین‌کننده هزینه سفر طولانی مدت ابن بطوطه می‌باشد. (ابن بطوطه، ج ۱، ص: ۴۱۶؛ ج ۲، صص: ۱۴۵-۱۵۰)

۶۶- رک: سفرنامه، ۲۳۴/۱، ۲۴۷/۱، ۳۹۶/۱، ۳۴/۲، ۲۰۱، ۲۸۹

کتابنامه

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۲۰۰۵م)، **رحله ابن بطوطه**، جلد ۱ و ۲، طبعه جدیده مصححه، بیروت: مکتبه العصریه.

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۳۷۶)، **سفرنامه ابن بطوطه**، جلد ۱ و ۲، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ ششم، تهران: سپهر نقش. - افرام بستانی، فؤاد، (۱۳۸۹)، **منجد الطلاب**، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران: انتشارات اسلامی.

بکری، محمد معصوم (۱۳۸۲)، **تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی**، مصحح، داود پونه؛ عمر بن محمد، چاپ اول، تهران: اساطیر.

پروینی، خلیل؛ کنجوریان، فرشته (۱۳۸۸)، «بررسی سفرنامه ابن بطوطه از منظر ادبیات تطبیقی»، **نشریه ادبیات تطبیقی**، شماره ۱ (ISC).

حسینی، شکوه‌السادات (۱۳۹۴)، «سه سفرنامه، سه دیدگاه ناصرخسرو، ابن بطوطه، برادران امیدوار»، **مجموعه مقالات همایش حکیم ناصرخسرو قبادیانی**، به همت دانشکده ادبیات دانشگاه شهید بهشتی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.

خلف، عادل (۱۹۹۴م)، **معجم الفاظ ابن بطوطه غیر العربیه**، طبع الاولی، قاهره: مکتبه الآداب. دوزی، راینهارت پیتران (۱۳۸۳)، **فرهنگ البسه مسلمانان**، ترجمه حسینعلی هروی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رسولی، حجت؛ شاه‌محمدی، خدیجه (۱۳۹۱)، «بررسی کاربرد واژگان فارسی در متن سفرنامه ابن

بطوطه»، **کاوش نامه ادبیات تطبیقی**، دانشگاه رازی کرمانشاه، شماره ۷.

رودگر، قنبرعلی (۱۳۷۶)، **از بین‌النهرین تا ماوراءالنهر پژوهشی در سفرنامه ابن بطوطه**، چاپ اول، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

طباطبائیان، عطیه سادات (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه زن در قرن هشتم ه.ق باتکیه بر سفرنامه ابن بطوطه»، **تاریخ پژوهی**، شماره ۴۹.

کراچکوفسکی (۱۳۷۶)، **تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کنجوریان، فرشته (۱۳۸۷)، «بررسی ویژگی‌های ادبی و هنری سفرنامه‌های ابن جبیر و ابن بطوطه»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب**، دانشگاه تربیت‌مدرس.

گراوند، مجتبی (۱۳۸۷)، «رحالان و رحله نویسی در تمدن اسلامی باتکیه بر مطالعه موردی ابن فضلان و ابن جبیر و ابن بطوطه»، **پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ اسلام**، دانشگاه تربیت مدرس.

نصیب، سید امید علی (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲)، «سفرنامه ابن بطوطه به روایت مردم‌شناسی»، **نشریه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی**، شماره ۵ و ۶ (ISC).